

## بیراهه‌ای در شب

شجاعت در اعتراف...

یک آشنایی دارم اهل علم روانشناسی و با تجربه‌ای طولانی و مؤثر از کار کردن با خانواده‌های دارای اختلاف و در مرز بحران!

یک‌بار به عنوان عصاره تجربیاتش از تمام سالهای مشاوره می‌گفت: به جرأت می‌گویم اگر ما (ایرانیان) در زندگی اجتماعی و خانوادگی مان جرأت و جسارتِ اعتراف به اشتباه را داشتیم، تعداد پرونده‌های اختلاف و طلاق در دادگاه‌های خانواده یک‌سوم می‌شد!

جمله‌اش جالب و تأمل‌برانگیز بود، آن هم از زبان کسی با تجربیات عملی از زنان و مردانی که در جزئیات زندگی‌شان بوده است.

شاید خود ما هم جزو همین تقسیم‌بندی باشیم، حتی در مسائل ساده‌تر هم خیلی مواقع شجاعت لازم را نداریم. به عنوان مثال سالها می‌گذرد و جسارتِ دور کردن آنچه باعث ناراحتی و دل‌آزرده‌گی ما شده را نداریم، مثل شغل، محیط کار، شرایط زندگی و هر آنچه نیازمند یک تصمیم قاطع برای خلاصی از آنچه جانمان را می‌آزارد باشد. این‌که مربوط به زندگی شخصی و اجتماعی ماست، وای به آن زمان که مربوط می‌شود به زندگی مشترک با یک نفر دیگر به نام شریک زندگی!

صادقانه از خود آغاز کنیم: چندبار شده که به صراحت بایستیم و با صدای بلند به خطای خود اعتراف کنیم؟ آن هم نه در خلوت (که گاهی جسارت آن را هم نداریم!) بلکه در برابر آن کسی که نسبت به او خطا کرده‌ایم!

وقتی دو نفر فهم درستی از یکدیگر نداشته باشند — یا نخواهند که داشته باشند — کم‌کم فاصله میان آنها بیشتر می‌شود و آن زمان، هردو آنها سعی در اثبات بیشتر خود دارند. اثبات محق بودن و در جای درست نشستن. در این میان حتی اگر کسی در همان خلوتِ خود پی به اشتباه خویش نیز ببرد آن‌قدر دلیل و بهانه برای توجیه کارش دارد که اعتراف به خطا نکند.

همان آشنای روانشناس در توضیح می‌گفت: وقتی هم یکی از طرفین را قانع می‌کنم که اشتباه کرده و باید آن را بپذیرد، چون نفر دیگر را دارای ظرفیت لازم نمی‌داند، حاضر به اعتراف نیست!

این همان شجاعتی است که صحبت کردیم و برای اعتراف به خطا معنا می‌یابد. شجاعتی که در کمتر کسی یافت می‌شود و حتی کمی گسترده‌تر بگوییم، شجاعتی که ما از کودکی نیاموخته و ندیده‌ایم. آیا اعترافِ زبانی به خطا و سعی در جبران آن در فرهنگ ما جایی دارد؟ آیا بلد هستیم اگر کسی نزد ما آمد و این شجاعت را داشت و به خطایش اعتراف کرد چگونه با او برخورد کنیم؟ آیا آن ظرفیتی که لازمه این کار است را داریم که از شجاعت او در اثباتِ خویش سوءاستفاده نکنیم؟

بگذریم، زیاده در بحثِ روانشناسانه آن دوست جلو رفتیم.

«بیراهه‌ای در شب» از لحاظ موضوع، تا حدودی خاص است و همین را ویژگی آن برای تأیید توسط اهلِ رمان می‌دانم. ضمن آن‌که نویسنده در طرح قصه به مواردی اشاره کرده که به نظرم تازگی داشت و می‌تواند در کسب تجربه برای رمان‌خوانان حرفه‌ای مؤثر باشد. شاید طرح بحث شجاعت در بیان اشتباهات از آن مواردی است که در مسیر داستان به چشم می‌آید.

باشد تا تأیید مخاطبین حرفه‌ای شادان!

بهمن رحیمی

اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ — تهران